

موضوع پایان نامه:

بررسی علل وعوامل حسن عاقبت وسوء عاقبت از منظر قرآن

استاد راهنما:

دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور:

دکتر مهدی باکویی

گردآورنده:

حامد سراجی

(ورودی ۸۶)

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

فصل اول

کلیات بحث.....	1۱
تاریخچه بحث.....	2۱
تبیین موضوع.....	14
اهمیت بحث.....	19
پرسشها و فرضیات.....	24

فصل دوم

مفهوم شناسی و کاربرد واژه های سوء عاقبت و حسن عاقبت.....	27
مقدمه.....	28
معنای لغوی عاقبت.....	29
معنای اصطلاحی حسن و سوء عاقبت.....	31
موارد استعمال واژه های حسن عاقبت و سوء عاقبت در آیات و روایات.....	33
نکاتی درباره واژه های فوق.....	41

فصل سوم

- 44..... بررسی عوامل حسن عاقبت و سوء عاقبت در آیات قرآن
- 45..... ۱-۳: عوامل حسن عاقبت در قرآن
- 45..... ۱- ایمان
- 47..... ۲- تقوا
- 49..... ۳- نماز
- 50..... ۴- عمل خیر
- 51..... ۵- تزکیه نفس
- 52..... ۶- زکات
- 53..... ۷- جهاد
- 55..... ۸- وفای به عهد
- 56..... ۹- استفاده از «وسیله» برای تقرب به خدا
- 57..... ۱۰- امر به معروف و نهی از منکر
- 59..... ۱۱- صبر و سفارش به آن
- 59..... ۱۲- توبه

- ۲-۳: عوامل سوء عاقبت در قرآن 61
- ۱- شرک 61
- ۲- فساد 61
- ۳- ناشکری و ناسپاسی به نعمت های الهی 62
- ۴- هتک حرمت مؤمنین 63
- ۵- توبه شکستن 64
- ۶- عصبیت 65
- ۷- تکذیب انبیاء و اولیاء الهی 66
- ۸- دوست بد 66
- ۹- مال اندوزی 68
- ۱۰- دشمنی با علی (علیه السلام) 70
- ۱۱- حضور در صف دشمنان 72
- ۱۲- بخل 74
- ۱۳- تکبر 75
- ۱۴- نفاق 76
- ۱۵- حق ستیزی 77
- ۱۶- ستم 77
- ۱۷- هوا پرستی 78

۱۸-گناه 79

فصل چهارم

81..... اعمال و دعاهایی که موجب حسن عاقبتند

82..... مقدمه

83..... اعمال مؤثر در حسن عاقبت

83..... نگرانی از سوء عاقبت

88..... پیروی از عقل

89..... محبت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

93..... ختم قرآن در مکه

94..... خواندن سوره «مؤمنون»

94..... مواظبت بر اوقات نماز

96..... مداومت به تسبیح حضرت زهراء

96..... مرگ در حال بعضی از اعمال

96..... مرگ در حال ذکر لا اله الا الله

97..... مرگ در حال روزه

98..... اقرار و تلقین اعتقادات

99..... انگشتر عقیق

دستور خاص امام صادق (ع)..... ۱۰۰

کتابنامه..... ۱۱۱

همواره برای آدمی جالب و مهم بوده است که بداند سرانجام او چه می شود و به کجا ختم خواهد شد. بنابراین بشر همیشه در صدد بوده است که بتواند راهی پیدا کند تا به این سؤال خود جواب دهد. عمر آدمی، بازتاب مجموعه اندیشه، عمل و رفتار انسان هاست، که اگر جانب حقیقت و حق غلبه کند، عاقبت به خیر خواهد شد. انسان با عمل به دستورات الهی، مطمئناً جزای خیر خواهد دید و کسانی که در اکثر موارد مطیع اوامر الهی بوده اند، با توجه به رحمت الهی، اهل نجات خواهند بود. از جمله دستورات، رعایت تقوا، نماز، تزکیه نفس و موارد دیگر است، که باعث حفظ ایمان در زمان مرگ است.

حال اگر عمل ما مجازی بوده و جانب فساد غلبه داشته باشد، در این گلوگاه حساس، ایمان را از کف خواهیم داد و دچار سوء عاقبت می شویم؛ که از جمله^{۳۱}ی این عوامل، هوا پرستی، ظلم و ستم، حق ستیزی و دیگر عوامل است. شناخت این رذایل و پرهیز از آنها و پیشه کردن تقوای الهی در زندگی، راه غلبه شیطان بر انسان را مسدود می کند.

به دلیل حساسیت موضوع عاقبت، خداوند در قرآن کریم به بیان راه ها و عوامل حسن یا سوء عاقبت اشاره فرموده است و به پیروان خود گوشزد نموده که گمان نکنید، خوب بودن و بد بودن در طول زندگی می تواند معیار حسن یا سوء عاقبت در افراد باشد؛ بلکه گاهی یک تحول روحی تحت عنایت الهی باعث می شود فردی از حضيض ذلت به اعلى مرتبه عزت راه پیدا کند و بالعکس. روش جمع آوری اطلاعات در این پایان نامه به صورت کتابخانه ای بوده است.

کلید واژه ها :

حسن عاقبت، سوء عاقبت، قرآن.

پیشگفتار:

«يُشِبُّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»^۱

(خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می‌دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می‌سازد، و لطف خود را از آنها برمی‌گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد!

اگر فارغ از فرهنگ و محیط و باورهای دینی‌ای که در آن پرورش یافته ایم بخواهیم محبوب‌ترین و مطلوب‌ترین خواست‌های نفسانی و تمایلات درونی خود را، در واژه‌هایی عام، نام ببریم باید از واژه‌هایی مانند کمال، سعادت، خیر و لذت بهره ببریم.

اما، سعادت به چیست؟ کمال کدام است و خیر چگونه چیزی است؟

شاید بتوان گفت: سعادت انسان در این است که از ناگواری‌ها و رنج‌ها در امان باشد و اسباب لذت و منفعت برایش فراهم گردد اما، بدون تردید نه هر لذتی سعادت است و نه هر رنجی را می‌توان مصداق شقاوت دانست؛ لذتی که رنج‌های فراوان و ماندگار در پی دارد مطلوب هیچ انسانی نیست و رنجی که اسباب آسایش و راحتی جاودانه را فراهم می‌آورد نامطلوب به شمار نمی‌آید پس،

۱. (ابراهیم/۲۷)

مطلوب واقعی انسان که آن را «سعادت» می نامد لذت و آسایشی برتر و ماندنی است و کمال حقیقی هم، چیزی جز این نیست، زیرا، که لذات و تمایلات مربوط به هر یک از قوا و اندام های انسان، اگر رنجی دائمی در برداشته باشد یا دیگر اندام ها و قوا را به سختی اندازد، نمی تواند مطلوب انسان قرار گیرد.

لذتی آنی که از مشاهده یک منظره یا یک چهره زیبا پدید می آید اما عذابی دردناک در پی دارد، هیچ خردمندی سراغ آن را نخواهد گرفت و دل به آن خوش نخواهد کرد.

پس از شناخت ماهیت سعادت و شقاوت باید بدانیم که این سعادت را چگونه می توان بدست آورد و این خیر و کمال حقیقی در کجا حاصل می شود؟

آیا چنین سعادت و چنین کمالی، با زندگی مادی که غرق در تزامات و مکروهات ناخواسته است، قابل جمع است و اگر نیست آیا اساساً، سعادت و کمال امری دست نیافتنی و ناممکن است یا جایی دیگر هست که مطلوب خود را باید در آنجا بیابیم؟ و اگر هست باید چه کنیم تا به وصال این مطلوب ترین محبوب خود نایل آییم؟

در پاسخ به این سؤال است که پای باورها و ارزش های دینی به میان می آید و ادیان الهی در برابر مکاتب مادی و الحادی قرار می گیرند. آنها که به چیزی ورای این عالم خاکی باور ندارند اگر نیک بیاندیشند دچار بحران هویت خواهند شد و مانند برخی مکاتب الحادی غرب به این نتیجه خواهند رسید که زندگی به زحمتش نمی ارزد چرا که سعادت و آرامش کامل در این دنیا یافت نمی شود و اگر هم

بشود آنقدر با ناراحتی‌ها و ناخوشی‌ها همراه است که بهتر است خیرش را به شرش واگذاریم و از خیرش بگذریم.^۱

باور به نظام توحیدی اسلام و اعتقاد به ربوبیت تکوینی و تشریحی خالق آگاه، توانا، حکیم و مهربان و پذیرفتن وجود عالمی و رای این حیات مادی و قبول جهانی پس از مرگ که در آن همه چیز به دست خداست، حیرت‌ها را برطرف می‌سازد و آینده‌ای روشن و زیبا را نمایان می‌سازد اما، چون مدبّر عالم، آدم را بی حکمت نیافریده است، بی حکمت هم، کسی را به ناگواری‌های دنیا دچار نمی‌کند و بی حساب کسی را به خیراتش ره نمی‌نماید. سنت الهی این است که بهره‌های اخروی را در برابر سختی‌های دنیا بدهد از این رو می‌فرماید:

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲ (و همانا، برای انسان چیزی نیست جز آنچه را با تلاش خود به دست آورده است) و همچنین می‌فرماید:

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا»^۳

(و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند - در حالی که ایمان داشته باشد - سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد.)

۱. اشاره به مکتب اپیکوریسم (لذت انگاری)؛ ر.ک: عالم، عبدالرحمن؛ تاریخ فلسفه سیاسی غرب، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶، چاپ: اول.

۲. (نجم/۳۹)

۳. (اسراء/۱۹)

چون اعتقاد به جبر نداریم پس خیر جهان دیگر را باید به دست و اراده و همت خویش فراهم سازیم. بی تردید، هرچند می‌توانیم برترین خیرات جهان دیگر را از آن خود سازیم امّا، آنچنان که در آغاز می‌نماید، دستیابی به آنها، آسان نیست چه آنکه، این عالم، عالم تعارض و جنگ میان فطرت و غریزه، عقل و هوا، شیطان و خداست، غرایز و هواهای نفسانی به فرماندهی شیطان در برابر ایمان و فطرت به فرماندهی خرد و خدا قرار می‌گیرند؛ شیطان با دلایل خود، برای اثبات ترجیح لذات دنیایی سنگ تمام می‌گذارد و به نقد بودن لذات آنی دنیا و بر زیاد بودن فرصت برای توبه و بازگشت، استناد می‌کند و احتمال از دست رفتن همیشگی این لذات را مؤید سخن خود می‌گیرد. از سوی دیگر، فطرت و ایمان، با نوای دل انگیز و خردپسند خویش، ما را بیم می‌دهند که خود را ناقص و آلوده نسازیم و به امید توبه ای که شاید هرگز انجام نشود دل نبندیم چه آنکه، هر چه گناه زیادتر شود دستیابی به توبه دشوارتر خواهد شد به علاوه، ظرف شکسته را اگر بند هم زنند باز، ظرف شکسته‌ی بند زده است.

گناه، عقب نشینی است و توبه، بازگشت به جای اوّل. فرصت پیشرفت را از دست ندهیم هرچند ممکن است به نظر آید که گنهکار می‌تواند بگوید:

من رشته‌ی محبت تو پاره می‌کنم شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم^۱

اما حقیقت این است که:

چون رشته گسست می‌توان بست لیکن گره‌ییش در میان هست^۱

۱. دیوان ذوقی اردستانی

و اگر، همه زندگی را با این رفت و برگشت ها پر کنیم، در لحظه مرگ، با دست خالی می‌رویم و توشه ای برای سفر دور خود نیاندوخته ایم و گامی به پیش برنداشته ایم. اگر هم با آتش و عذاب فرشتگان الهی روبرو نباشیم آتش شرم و حسرت از دست دادن کمالاتی که در دسترس ما بود، اعماق دل ما را می‌سوزاند.

آری ممکن است آن گاه که شهوات از کار می‌افتد و انگیزه ای برای گناه وجود ندارد، تصمیم بگیریم که دیگر به دور گناه نرویم؛ اما چنین تصمیمی مانند تصمیم گنهکاران به توبه به هنگام مشاهده مرگ و نگاه به جهان آخرت است که می‌گویند «تُبْتُ الْآنَ»^۱ اما این توبه ها سودی ندارد، چرا که توبه در هنگام ناتوانی است.

خوب گفته است شاعر:

چه سود از دزدی، آنگه توبه کردن
که نتوانی کمند انداخت بر کاخ

بلند، از شاخه گو، کوتاه کن دست
که کوتاه خود ندارد دست بر شاخ^۲

و برای همین است که امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرمایند: در هنگام توانمندی

دست برداشتن از گناه انسان را به مقام فرشتگان نزدیک می‌کند:

«مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ اجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنْ

الْمَلَائِكَةِ»^۳

۱. دیوان امیرخسرو دهلوی

۲. (نساء/۱۸)

۳. گلستان سعدی.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.

(اجر شهید در راه خدا، بیشتر از اجر کسی که بتواند کاری انجام دهد اما، عفت ورزد نیست، هر آینه نزدیک است که انسان عفیف، فرشته ای از فرشتگان الهی باشد.)

به هر حال، در این میان چه خواهیم کرد؟ کدام را ترجیح خواهیم داد؟

هوی را یا خدا را، ایمان را یا شیطان را؟ از یاد نبریم که نه به شیطان این توان داده شده است که ما را، دست بسته، به سوی خواست های خویش برد^۱ و نه خدای متعال تضمین کرده است که هر طور که شده ما را در صراط مستقیم قرار دهد^۲ پس، مائیم که باید در سر دو راهی ها تصمیم بگیریم؛ تصمیمی دشوار و پر مخاطره. مشکل این است که یک بار و دو بار هم نیست، همه لحظات زندگی ما، با این دو راهی ها همراه است، به بهشتی که با دستان و دلی پاک ساخته ایم نمی توانیم دل خوش باشیم که شاید، فردا خرابش کنیم، به عزم و تلاش امروزمان نمی

۱. این مطلب مضمون برخی آیات کریمه قرآن است از جمله این آیات، آیه ۲۱ از سوره «سبأ» است که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ»

(او (ابلیس) بر ایشان سلطه ای نداشت جز برای اینکه بدانیم چه کسی به جهان پس از مرگ ایمان دارد و چه کسی در آن تردید می‌کند و پروردگار تو حافظ هر چیزی است.)

۲. آیات متعددی از قرآن کریم به این مضمون اشاره دارد از جمله آنها آیه ۱۳ از سوره «سجده» که می‌فرماید:

«وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (و اگر می‌خواستیم هر آینه، همه انسان ها را هدایت می‌کردیم اما به درستی گفته ام که هر آینه دوزخ را از جن و انس، همگی، پر خواهیم کرد) و همچنین آیه ۱۴۹ از سوره «انعام» که می‌فرماید:

«قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»

(بگو: پس، خدا حجت بالغه دارد پس، اگر می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد.)

توانیم دل ببندیم که شاید روزی دیگر نقضش نمائیم، اگر مخلص باشیم باید از عُجبی که از آن ممکن است برآید بترسیم و اگر مخلص نباشیم از تبعات سوءش باید بهراسیم.

این اوضاع و احوال ادامه دارد تا زمان مرگ فرا رسد و نشأه ماندگار آخرت آغاز شود، اینجاست که دست‌ها بسته می‌شود و همه چیز از اختیار انسان خارج می‌گردد.^۱

طبق آیات و روایات، حیات بشری دو دوران بیش ندارد:

دوران عمل، تلاش و سازندگی، و دوران پاداش و بهره‌گیری از دست‌آوردهای تلاش.

در دوران اول پاداشی نیست و اگر هم باشد برای این است که نیکان را به نیکی بیشتر ترغیب کند یا، بدان را به عواقب رفتار بدشان آگاه سازد اما، جهان دیگر، جهان پاداش است و در آن، رفتاری از ما نمی‌تواند سرنوشت ما را تغییر دهد، «إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابَ، وَ غَدًا حِسَابٌ وَ لَا عَمَلٌ»^۲، البته ممکن است سرنوشت کسی، پس از مرگ تغییر یابد اما این تغییر هم، از آثار خیرات و مبرات و سنت‌های جاریه‌ای است که خود به جا گذاشته است.

آموزه‌ها و معارف دینی، به وجود تنها، دو گروه در جهان پس از مرگ تأکید می‌کنند شاید برای اینکه اگر گروه سومی هم باشند سرانجام به یکی از این دو

۱. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، (قم: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۶)، چاپ اول، ج ۸، ص ۲۵۴-۲۶۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

گروه می پیوندند؛ برخی سعیدند و برخی شقی^۱. برخی از اصحاب شمال‌اند و برخی از اصحاب یمین^۲. بعضی با نامه عملی که به دست راست^۳ یا چپشان^۴ می دهند به خوشبختی یا بدبختی خود پی می‌برند.

در آیاتی از قرآن کریم این دو گروه، با عنوان کسانی که چهره سیاه یا، سفید دارند از هم جدا شده‌اند.^۵ این دو گروه، در قرآن کریم با توجه به پاداش نیک و بدشان اصحاب بهشت^۶ و اصحاب آتش و دوزخ^۷ نام گرفته‌اند.

بنابراین، نگرانی مؤمن واقعی از این است که نمی‌داند برآیند و جمع بندی‌های جنگ و گریزهای زندگی معنوی او به کجا خواهد انجامید آیا او پشت شیطان و شهوت را به خاک خواهد مالید، یا، در لحظه مرگ، با غلبه شیطان و هوا، بر نفس و جان خویش، از دنیا خواهد رفت.

۱. (هود/۱۰۵)

۲. (الواقعه/۲۷، ۳۸، ۹۰، ۹۱)

۳. (اسراء/۷۱؛ الحاقه/۱۹ و انشقاق/۷)

۴. (الحاقه/۲۵)

۵. آیات ۱۰۶ و ۱۰۷ سوره آل عمران به این مطلب اشاره دارند: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ. وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

(روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شوند پس، کسانی که چهره‌شان سیاه شده (به آنها گفته می‌شود) آیا بعد از ایمان (و اخوت و برادری در سایه آن) کافر شدید، پس، بچشید عذاب را، به سبب اینکه کفر می‌ورزیدید و اما، کسانی که سفید شد چهره‌هاشان پس، مشمول رحمت الهی اند و ایشان در آن جاودانه‌اند).

۶. (یونس/۲۶؛ هود/۲۳؛ الاعراف/۴۲)

۷. اصحاب نار، اصحاب سعیر و اصحاب جحیم، تعبیرات مختلفی است که در آیات قرآن برای این گروه به کار رفته است. ر.ک: مائده/۲۹ و ۸۶؛ اعراف/۳۶ و ۵۰؛ توبه/۱۱۳؛ فاطر/۶ و ...

لحظه مرگ، لحظه قطعی این جدائی هاست زیرا، که پرونده عمل بسته می شود و حکم قطعی صادر می گردد. از آن پس، همه تلاش ها، مذبوحانه است هر چه باید بکنیم کرده ایم و دیگر راه بازگشتی نیست.

نگرانی از اینکه، با چه پرونده ای وارد جهان آخرت می شویم در واقع همان نگرانی از سوء عاقبت است. نگرانی مؤمن در واقع این است که اگر هم، از روی جهالت و نادانی، در زندگی معنوی خود دچار سستی ها و کاستی هایی بوده است آیا تا زمان مرگ این ضعف ها جبران نخواهد شد و اگر در زندگی، موفقیت های معنوی قابل قبولی داشته است، آیا این موفقیت ها تا آخر عمر باقی خواهد ماند؟

حکم مستوری و مستی همه در عاقبت است کس ندانست که آخر به چه حالت برود^۱ اهمیت نگرانی از سوء عاقبت، به معنای اهمیت والای بحث از سوء عاقبت و حسن عاقبت است. این موضوع از مهمترین موضوعات اخلاقی است که به سرنوشت جاودانه انسان ها بستگی دارد و به همین سبب، هیچگاه نباید از یاد برود، چرا که یاد این موضوع، به نحوی همان توجه به نفس، یاد خدا، یاد مرگ، یاد جهان پس از مرگ و یاد روز قیامت است.^۲

مهمترین مباحثی که در این رساله به بیان و بررسی آنها خواهیم پرداخت، عبارتند از:

(۱) مفهوم شناسی و بررسی شیوه کاربرد مفهوم سوء عاقبت و حسن عاقبت در آیات و روایات؛

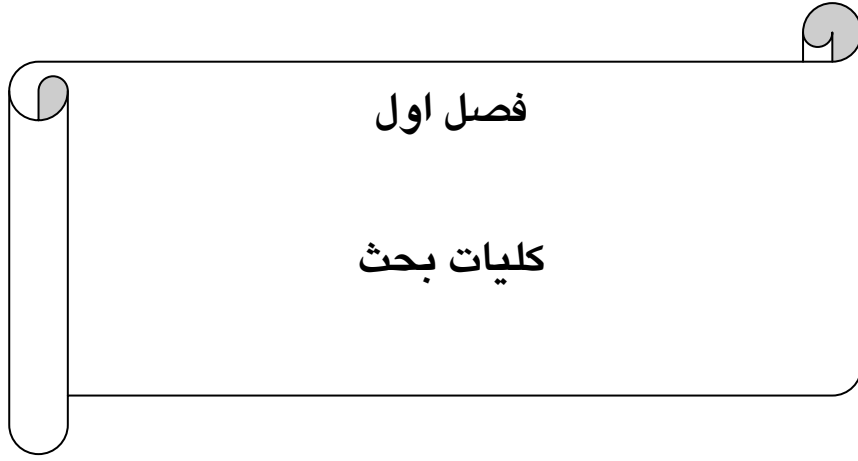
۱. دیوان حافظ.

۲. امین، احمد، راه تکامل، ترجمه: ادیب لاری، (تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی تا)، ص ۱۵-۲۷.

۲) بیان عوامل حسن عاقبت و سوء عاقبت از منظر قرآن؛

۳) بررسی راههای پیشگیری از سوء عاقبت در آیات و روایات و ذکر ادعیه، اذکار

و اعمالی که در حسن عاقبت تأثیر دارند.



فصل اول

کلیات بحث

تاریخچه‌ی بحث:

در مطالعه تمامی تاریخ، از آفرینش انسان تا دوران صدر اسلام و از آن زمان، تا انقلاب اسلامی ایران، به سرگذشت کسانی مانند ابلیس، بعلم باعورا، قارون، سامری، برصیصای عابد، زبیر بن عوام، خوارج نهروان و بسیاری از عابدان مشتاق، عالمان حقیقی و مستجاب الدعوه، مجاهدان شجاع و فداکار و ایثارگرانی برخورد می کنیم که پس از عمری عبادت، معنویت، تلاش و مجاهدت، سرانجام در دام نفس اماره و شیطان افتاده و از اوج سعادت، به حضیض شقاوت سرنگون و از قلّه فضائل انسانی، به دره رذائل سقوط کرده و از آسمان عزت و از اعلیٰ علیین به اسفل السافلین و تا عمیق ترین گودال های دوزخ، فرورفته اند. کسانی که در اثر پیروی از هوای نفس، طغیان شهوت و غضب، یا به سبب جهل و ناآگاهی، پول پرستی، حب جاه و مقام، رشک و حسادت، بی رحمی و قساوت، خبث مولد و لقمه حرام، محیط فاسد و دوستان ناباب و... مایه‌ی عبرت همه خلایق شدند و اینها، نمونه هایی از همه تاریخند و الا در هر دورانی و عصری این افراد نمونه هایی فراوان دارند.

از سوی دیگر، مشاهده نمونه هایی از تاریخ زندگی کفار، تبه کاران، آلودگان، بی بند و باران، بیدادگران و ستمگران، راهزنان و بدنامان و حتی بخشی از خوارج و یاران بنی امیه و ابن زیاد و... که در نهایت مستبصر و خوش عاقبت شدند، بسی شگفت انگیز و امیدبخش است کسانی که از کفر به اسلام راه یافتند و از تاریکی و ظلمت، به سوی نور آمدند و از آلودگی ها توبه نمودند و چه بسا به مقام رفیع شهادت دست یافتند.